



چهره زن در تاریخ
معاصر ایران دستخوش
تغییرات عمده‌ای شده
و تجربه‌های تاریخی
منحصراً به فردی را از
سرگذاشته که در ساخت
کنونی شخصیت او
تأثیری انکارناشدنی
داشته است.



3/ هویت اجتماعی زنان از دوره قاجار تا انقلاب اسلامی

قصه نسوان

الهام یوسفی

سلطان واله و دامن باله

زنان همواره عنصر تأثیرگذار پشت پرده وقایع تاریخی بوده‌اند. در دوره قاجار و در جریان اجرای حکم میرزای شیرازی برای عدم استعمال تنباکو، هم زنان درباری -حرمسرای همیشه در پرده شاه- و هم زنان عادی جامعه، رفتاری آگاهانه از خود نشان دادند که نقش خاص زنان را به عنوان عناصر مؤثر در حرکت‌ها پررنگ کرد. اما تغییر در وضعیت زن نیز چون بسیاری از تغییرات تجددگرایانه ایران با ورود غربی‌ها آغاز شده بود.

پس از روی کار آمدن قاجار، از همان نخستین سال‌های حکومت فتحعلی‌شاه، رفت و آمد هیئت‌های فرانسوی و انگلیسی برای عقد قراردادهای سیاسی - نظامی آغاز شد. پیش از همه، درباریان تحت تأثیر رفتار و سبک پوشش اروپاییان راه و رسم خود را تغییر دادند اما این اتفاق چندان به خارج از دربار رخنه نکرد. پس از روی کار آمدن ناصرالدین شاه و به دنبال سفرهایش به اروپا، این تغییرپذیری گسترش یافت و پیش از همه بر پوشش زنان دربار تأثیر گذاشت؛ اگرچه این روند نیز زمان بیشتری می‌برد تا شکلی عمومی‌تر پیدا کند. در این سال‌ها زنان در امور سیاسی و اجتماعی کم‌ترین حق مداخله را داشتند. تأثیر سفر به روسیه بر روی ناصرالدین شاه و شیفتگی او نسبت به بالرین‌های سن پترزبورگ را می‌توان با تأثیر سفر ترکیه بر روی رضاشاه قیاس کرد، اما زمانه و شخصیت ناصرالدین شاه نمی‌گذاشت افکار تجددخواهان‌اش درباره زنان به بیرون از دربار نشست پیدا کند. اگرچه این تأثیرپذیری شگرف، زمینه‌ساز برنامه‌ریزی بیشتری از جانب اروپاییان برای تغییر جایگاه زن در جامعه ایران شد.

تغییر در وضعیت زن نیز چون بسیاری از تغییرات تجددگرایانه ایران با ورود غربی‌ها آغاز گشت.

چهره بگشای...

با همه این توصیفات هیچ‌گاه نقش زن و تأثیر او مورد توجه جدی قرار نگرفت. حتی در دوره مشروطه که سخن از برابری و مشارکت مردم در امر حکومت به میان آمد و حتی پس از پیروزی‌های اولیه مشروطه که زنان هم در آن مشارکت داشتند، در قانون اساسی مشروطه خواهان چه در ظاهر و چه در واقع اهمیتی به زنان داده نشد و زنان تغییری در شرایط خود احساس نکردند. البته طبیعی بود که سیر حوادث دفعی نمی‌تواند تغییری در فرهنگ سنتی و رسوخ‌یافته در اذهان مردم ایجاد کند و برای تغییر و تحول نیز زمان و برنامه‌ریزی لازم بود.

سرمداران مشروطه که دچار نوعی آشفته‌گی و اختلاط در مبانی مذهبی و غربی شده بودند به انفعال کشیده شده و راه را برای ورود افکار غربی در انقلاب مشروطه باز کردند. در باب زنان نیز محصول این تأثیرپذیری چیزی نبود جز رشد افکاری که در صدد به میدان آوردن زن و بیرون کشیدن او از انزوای اندرونی خانه‌ها بود، بدون آن که به راستی نتیجه و آثار آن پیش‌بینی شود. روشنفکرانی چون میرزاده عشقی، علی‌اکبر دهخدا، ملک‌الشعرا بهار، پروین اعتصامی و بسیاری دیگر موضوع زنان را دست‌مایه اشعار و نوشته‌های خود کرده و زنان را به رهایی از قیود ظاهری و چهره گشودن و رخ نمودن فرا می‌خواندند. این دسته نیز مانند رضاخان تسلیم نسخ‌های غربی شده بودند که برای رشد و رهایی زن، رهایی از پوشش‌های را تجویز می‌کرد. امثال همین گروه از روشنفکران و ادیبان بودند که بعدتر، برای اقدام رضاشاه به کشف حجاب زنان، شعرهای ستایش‌آمیز سرودند.

نسوان متجدد و محافل نوین

اجبار کشف حجاب توسط رضاخان پس از بازگشت از ترکیه، از آن جا که با زمینه‌های فرهنگی مردم ایران ناسازگار بود، با زور و اجبار همراه شد و نتیجه‌اش به گواهی برخی از همان روشنفکران چیزی جز غلبه مدگرایی و تبدیل زن به یک کالای تجاری نبود. اگر چه مقاومت زنان مذهبی ایران با کشف حجاب اجباری، و بازگشت آنان به حجاب پس از شهریور 1320 به شکست نسبی برنامه‌های رضاشاه و همفکرانش منجر شد، اما برنامه‌های نرم‌افزاری روشنفکران فرنگ‌دیده و تحصیل کرده در نشر مجلات و روزنامه‌ها و تشکیل کانون‌ها و انجمن‌ها در قشری از زنان ایران تأثیر پایداری را نهاده‌اند.

صدیقه دولت‌آبادی، مستوره افشار، ملوک اسکندری، نوابه صفوی و بسیاری دیگر، زنانی بودند که با سرپرستی این نشریات یا کانون‌ها و در وهله اول با تغییر ظاهری خود بر اساس ملاک‌های غربی، جامعه زنان را به سمت و سوی تحولی عجیب سوق دادند. آن‌ها نه فقط بحث پوشش بلکه روابط میان زن و مرد و دختر و پسر را نیز از فرهنگ غرب اقتباس و به جامعه تزریق می‌کردند و نیز با معرفی زنان نامدار جهان مانند ژاندارک و ماری کوری در پی الگوسازی از نوع غربی‌اش، برای زنان ایرانی بودند. ساخت و توسعه مدارس نوین دختران به شیوه غربی و با معلمان اروپایی، مواد آموزشی آن‌ها، برگزاری مراسمات و جشن‌ها با حضور زنان سفرا و وزرا و نیز برگزاری جشن برای دختران مدارس جهت عادی‌سازی بی‌حجابی، خبر از تغییر جدی در وضعیت زن می‌داد.

تقابل میان دو قشر سنتی و غرب‌زده محصول همین